

جانی سالدنا

راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی

مترجم
عبدالله گیویان



۱۳۹۵

سرشناسه	سالدانا، جانی، ۱۹۵۴ - م.
عنوان و نام پدیدآور	راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی / جانی سالدانا؛ مترجم عبدالله گیویان.
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	[سی و شش]، ۴۳۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۸۶۶-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: The coding manual for qualitative researchers, 2013
موضوع	تحقیق کیفی
موضوع	تحقیق کیفی - داده‌پردازی
موضوع	علوم اجتماعی - تحقیق
شناسه افزوده	گیویان، عبدالله، ۱۳۳۹ - مترجم
شناسه افزوده	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ ۲/۲۲ H۶۲
رده‌بندی دیویی	۳۰۰/۷۲
شماره کتابخانه ملی	۴۱۳۶۵۴۹

راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی

نویسنده: جانی سالدانا

مترجم: عبدالله گیویان

چاپ نخست: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.

انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کرج، پلاک ۲۵؛
کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۴۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۶۹
تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴
آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
www.ketabgostar.com info@ketabgostar.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷ - ۸۸۳۴۳۸۰۶
فروشگاه سه: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی
(نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)
فروشگاه چهار: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه
محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست

مقدمه مترجم	هفده
درباره نویسنده	بیست و هفت
دیباچه‌ای بر ویراثت دو	بیست و نه
قدردانی	سی و سه
فصل اول: درآمدی بر کد و کدگذاری	۱
خلاصه فصل	۱
هدف‌های این کتاب راهنما	۱
کد چیست؟	۵
نمونه‌هایی از کدگذاری	۶
کدگذاری برای الگوها	۸
صافی‌های کدگذاری	۱۰
کدگذاری به مثابه اکتشاف	۱۲
کدگذاری و مقوله‌بندی	۱۳
از کد به مقوله	۱۴
مقوله: مهارت‌های آموزگار	۱۴
کدگذاری مجدد و مقوله‌بندی دوباره	۱۶
مقوله: تعدی از طریق اعمال زور جسمانی (اصولاً ولی نه انحصاراً توسط پسران)	۱۹
مقوله: تعدی از طریق جریحه‌دار کردن احساسات (اسماً ولی نه انحصاراً توسط دختران)	۱۹
از کدها و مقولات به نظریه	۲۰
تفاوت کدها و مضامین	۲۲
چه چیزی کدگذاری می‌شود؟	۲۳
واحدهای سازمان اجتماعی	۲۳

۲۵	کدگذاری گفته‌های پژوهشگر
۲۵	حجم یافته‌هایی که باید کدگذاری شوند
۲۷	سازوکار کدگذاری
۲۷	آرایش داده‌ها
۳۰	کدگذاری مقدماتی
۳۲	یادداشت‌های اولیه
۳۳	ملاحظات در هنگام کدگذاری
۳۴	کدگذاری مقایسه‌ای داده‌ها
۳۵	فراوانی ها
۳۵	حجم و تجزیه داده‌ها
۳۷	کمیت کیفیت ها
۳۸	کتابچه یا فهرست ها
۴۰	کدگذاری دستی و رایانه‌ای
۴۱	کدگذاری دستی
۴۵	کدگذاری رایانه‌ای
۴۷	سامان‌دهی داده‌ها برای برنامه‌های رایانه‌ای تحلیل کیفی
۴۸	قابلیت‌های کدگذاری با برنامه‌های رایانه‌ای تحلیل داده‌های کیفی
۵۰	جست‌وجو و جستار با برنامه‌های رایانه‌ای تحلیل داده‌های کیفی
۵۳	کدگذاری فردی و گروهی
۵۳	کدگذاری مشارکتی
۵۵	کدگذاری فردی
۵۶	خصوصیات فردی ضروری برای کدگذاری
۵۹	در باب روش
۶۰	انتقادهایی از کدگذاری
۶۳	کدگذاری فن است

۶۵	فصل دوم: نگارش یادداشت‌های تحلیلی
۶۵	خلاصه فصل
۶۵	مراد از نگارش یادداشت‌های تحلیلی
۶۶	یادداشت تحلیلی چیست؟
۶۸	نمونه‌هایی از یادداشت‌های تحلیلی
۷۹	تأمل و تجزیه

۸۰	کدگذاری و مقوله‌بندی یادداشت‌های تحلیلی
۸۰	یادداشت‌های تحلیلی کد و مقوله تولید می‌کنند
۸۱	قواعد بنیادین کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد
۸۳	نگارش یادداشت‌های تحلیلی برای داده‌های دیداری
۸۵	سندها و دست‌سازها
۸۷	کنش زنده و ضبط ویدئویی
۸۹	راهنمایی‌های توصیه‌شده
۹۱	فصل سوم: روش‌های دور اول کدگذاری
۹۱	حالات فصل
۹۱	دور اول کدگذاری
۹۳	گزینش روش‌های (بنا بر) کدگذاری
۹۴	دیدگاه‌ها، روش‌ها و ابزار تصمیم‌گیری برای کدگذاری
۹۵	تنظیم پرسش‌های پژوهش
۹۶	ملاحظات پارادایم مفهومی و روش‌شناختی
۹۷	کدگذاری و هدف‌های پسینی
۹۹	کدگذاری در مطالعات چند روشی
۱۰۰	کدگذاری اکتشافی
۱۰۱	روش‌های عمومی کدگذاری
۱۰۱	طرح‌های ابداعی و مرکب کدگذاری
۱۰۲	معیارهای عمومی برای تصمیم‌گیری درباره شیوه کدگذاری
۱۰۴	انعطاف‌پذیری در کدگذاری
۱۰۵	برایند کدگذاری
۱۰۵	درباب هراس فراگیر
۱۰۶	مروری بر روش‌های دور اول کدگذاری
۱۰۶	شیوه‌نامه روش‌های کدگذاری
۱۰۶	منابع
۱۰۷	تشریح
۱۰۷	کاربردها
۱۰۷	نمونه
۱۰۹	تحلیل
۱۰۹	ملاحظات
۱۰۹	روش‌های دستور زبانی

۱۱۰	کدگذاری انتسابی
۱۱۰	منابع
۱۱۰	تشریح
۱۱۱	کاربردها
۱۱۲	نمونه‌ها
۱۱۳	تحلیل
۱۱۴	ملاحظات
۱۱۵	کدگذاری میزان یاب
۱۱۵	منابع
۱۱۵	تشریح
۱۱۵	کاربردها
۱۱۶	نمونه‌ها
۱۱۹	تحلیل
۱۲۱	ملاحظات
۱۲۲	کدگذاری فرعی
۱۲۲	منابع
۱۲۲	تشریح
۱۲۲	کاربردها
۱۲۳	نمونه
۱۲۴	تحلیل
۱۲۵	ملاحظات
۱۲۶	کدگذاری هم‌زمان
۱۲۶	منبع
۱۲۶	تشریح
۱۲۶	کاربردها
۱۲۶	نمونه‌ها
۱۲۸	تحلیل
۱۳۰	ملاحظات
۱۳۰	روش‌های مؤلفه‌ای
۱۳۱	کدگذاری ساختاری
۱۳۱	منابع
۱۳۱	تشریح
۱۳۱	کاربردها

۱۳۲		نمونه
۱۳۴		تحلیل
۱۳۶		ملاحظات
۱۳۷		کدگذاری توصیفی
۱۳۷		منابع
۱۳۷		تشریح
۱۳۷		کاربردها
۱۳۸		نمونه
۱۳۹		تحلیل
۱۴۱		ملاحظات
۱۴۲		کدگذاری زنده
۱۴۲		منابع
۱۴۲		تشریح
۱۴۲		کاربردها
۱۴۳		نمونه
۱۴۴		تحلیل
۱۴۸		ملاحظات
۱۴۹		کدگذاری فرایندی
۱۴۹		منابع
۱۴۹		تشریح
۱۴۹		کاربردها
۱۵۰		نمونه
۱۵۴		ملاحظات
۱۵۵		کدگذاری بدوی
۱۵۵		منابع
۱۵۵		تشریح
۱۵۶		نمونه
۱۵۹		تحلیل
۱۶۱		ملاحظات
۱۶۱		روش های عاطفی
۱۶۲		کدگذاری حسی
۱۶۲		منابع
۱۶۲		تشریح

۱۶۲	کاربردها
۱۶۳	نمونه
۱۶۴	تحلیل
۱۶۹	ملاحظات
۱۷۰	کدگذاری ارزشی
۱۷۰	منابع
۱۷۰	تشریح
۱۷۰	کاربردها
۱۷۱	نمونه
۱۷۲	تحلیل
۱۷۶	ملاحظات
۱۷۶	کدگذاری محتف
۱۷۶	منابع
۱۷۷	تشریح
۱۷۷	کاربردها
۱۷۷	نمونه
۱۷۸	تحلیل
۱۸۲	ملاحظات
۱۸۲	کدگذاری ارزیابی
۱۸۲	منابع
۱۸۲	تشریح
۱۸۳	کاربردها
۱۸۳	نمونه
۱۸۵	تحلیل
۱۸۸	ملاحظات
۱۸۸	روش های ادبی و زبانی
۱۸۹	کدگذاری نمایشی
۱۸۹	منابع
۱۸۹	تشریح
۱۹۰	کاربرد
۱۹۱	نمونه
۱۹۲	تحلیل
۱۹۶	ملاحظات

۱۹۶	کدگذاری بن‌مایه
۱۹۶	منابع
۱۹۶	تشریح
۱۹۷	کاربردها
۱۹۸	نمونه
۲۰۱	ملاحظات
۲۰۲	کدگذاری روایی
۲۰۲	منابع
۲۰۲	تشریح
۲۰۳	کاربردها
۲۰۳	نمونه
۲۰۴	تحلیل
۲۱۰	ملاحظات
۲۱۰	کدگذاری تبادل کلامی
۲۱۰	منبع
۲۱۰	تشریح
۲۱۲	کاربردها
۲۱۳	نمونه
۲۱۶	تحلیل
۲۱۸	ملاحظات
۲۱۸	روش‌های اکتشافی
۲۱۹	کدگذاری کل‌نگر
۲۱۹	منبع
۲۱۹	تشریح
۲۱۹	کاربردها
۲۲۰	نمونه
۲۲۱	تحلیل
۲۲۲	ملاحظات
۲۲۲	کدگذاری موقت
۲۲۲	منابع
۲۲۲	تشریح
۲۲۲	کاربردها
۲۲۳	نمونه

۲۲۴	تحلیل
۲۲۶	ملاحظات
۲۲۶	کدگذاری فرضیه‌ای
۲۲۶	منابع
۲۲۶	تشریح
۲۲۶	کاربردها
۲۲۷	نمونه
۲۲۹	تحلیل
۲۳۰	ملاحظات
۲۳۱	روش‌های ریاضی
۲۳۱	کدگذاری دستورالعملی
۲۳۱	منابع
۲۳۲	تشریح
۲۳۲	کاربردها
۲۳۲	نمونه
۲۳۴	تحلیل
۲۳۵	ملاحظات
۲۳۶	کدگذاری فمف (فهرست مواد فرهنگی)
۲۳۶	منابع
۲۳۶	تشریح
۲۳۷	کاربردها
۲۳۸	نمونه
۲۳۹	تحلیل
۲۴۰	ملاحظات
۲۴۰	کدگذاری قلمرویی و رده‌بندی
۲۴۰	منابع
۲۴۰	تشریح
۲۴۳	کاربردها
۲۴۴	نمونه
۲۴۶	تحلیل
۲۴۹	ملاحظات
۲۵۰	کدگذاری علی
۲۵۰	منابع

۲۵۰	تشریح
۲۵۲	کاربردها
۲۵۴	نمونه
۲۵۸	تحلیل
۲۶۵	ملاحظات
۲۶۶	مضمون‌بندی داده‌ها
۲۶۶	منابع
۲۶۶	تشریح
۲۶۸	کاربردها
۲۶۹	نمونه
۲۷۱	تحلیل
۲۷۵	ملاحظات
۲۷۵	فراخلاق و فراالهی
۲۸۱	فصل چهارم: پس از دوره اول کدگذاری
۲۸۱	خلاصه فصل
۲۸۱	گذارهای پس از کدگذاری
۲۸۲	کدگذاری تقاطعی
۲۸۲	منابع
۲۸۳	تشریح
۲۸۳	کاربردها
۲۸۳	نمونه
۲۸۵	تحلیل
۲۸۸	یادداشت تحلیلی
۲۹۰	ملاحظات
۲۹۰	نقشه‌برداری و چشم‌انداز کدها
۲۹۱	نقشه‌برداری کدها
۲۹۸	چشم‌انداز کدها
۳۰۴	ترسیم نمودار الگوهای عملیاتی
۳۰۷	دیگر روش‌های گذار
۳۰۷	مقوله‌های رومیزی
۳۰۸	از کدها تا مضمون‌ها
۳۰۹	«گفت‌وگویی تخصصی» با دیگران طی زمان اجرای پژوهش
۳۱۰	گذار به روش‌های دور دوم کدگذاری

۳۱۱	فصل پنجم: روش‌های دور دوم کدگذاری
۳۱۱	خلاصه فصل
۳۱۱	هدف‌های دور دوم کدگذاری
۳۱۴	مروری کلی بر روش‌های کدگذاری دور دوم
۳۱۵	روش‌های دور دوم کدگذاری
۳۱۵	کدگذاری الگوی
۳۱۵	منبع
۳۱۵	تشریح
۳۱۵	کاربردها
۳۱۶	نمونه
۳۱۷	تحلیل
۳۲۰	ملاحظات
۳۲۰	کدگذاری تنظیمی
۳۲۰	منبع
۳۲۰	تشریح
۳۲۰	کاربردها
۳۲۰	نمونه
۳۲۳	تحلیل
۳۲۶	ملاحظات
۳۲۶	کدگذاری محوری
۳۲۶	منابع
۳۲۶	تشریح
۳۲۶	کاربردها
۳۲۷	نمونه
۳۳۰	تحلیل
۳۳۳	ملاحظات
۳۳۳	کدگذاری نظریه‌ای
۳۳۳	منابع
۳۳۴	تشریح
۳۳۵	کاربردها
۳۳۶	نمونه
۳۳۸	تحلیل
۳۴۱	ملاحظات

۳۴۲	کدگذاری تفصیلی
۳۴۲	منابع
۳۴۲	تشریح
۳۴۳	کاربردها
۳۴۳	نمونه
۳۴۵	تحلیل
۳۴۹	ملاحظات
۳۵۰	کدگذاری طولی
۳۵۰	منابع
۳۵۰	تشریح
۳۵۴	کاربردها
۳۵۵	نمونه
۳۵۸	تحلیل
۳۶۱	ملاحظات

۳۶۵	فصل ششم: پس از دور دوم کدگذاری
۳۶۵	خلاصه فصل
۳۶۵	گذارهای پس از کدگذاری و پیش از نگارش
۳۶۶	راهبردهای تمرکز
۳۶۷	فهرست اولویت‌های یک تا ده
۳۶۷	«اقتانیم ثلاثه» تحقیق
۳۶۸	هم‌بافی کدها
۳۶۹	«آزمون لمس»
۳۷۰	از کدگذاری تا نظریه‌پردازی
۳۷۱	مؤلفه‌های سازنده نظریه
۳۷۱	مقوله‌های مقوله‌ها
۳۷۴	مقوله‌ها و یادداشت‌های تحلیلی به‌عنوان منابعی برای نظریه
۳۷۵	موضوعات مربوط به قالب‌بندی
۳۷۶	تأکیدات در متن دارای توضیحات
۳۷۶	عنوان‌های سرصفحه و زیرعنوان‌ها
۳۷۷	یافته‌ها «در یک نظر»
۳۷۸	نگارش درباره کدها
۳۸۱	چیش و بازچیش

۳۸۱	داستان گوئی تحلیلی
۳۸۲	همه چیز به نوبت
۳۸۳	با نتیجه گیری شروع کنید
۳۸۳	کمک گرفتن از دیگران
۳۸۳	یاری همتایان و کمک های آنلاین
۳۸۴	در جست و جوی «دینه»
۳۸۵	مؤخره
۳۸۷	ضمیمه «الف»: واژه نامه روش های کدگذاری
۳۹۷	کتابخانه را راداد شده
۴۰۱	ضمیمه «ب»: واژه نامه توصیف های تحلیلی
۴۱۱	ضمیمه «پ»: یادداشت بردار متن صاحب و متن های نمونه برای کدگذاری
۴۱۱	نمونه میدان نگاری: مشاهدات در اتاق بدن سازی در دانشگاه
۴۱۴	نمونه متن نوشته شده مصاحبه: بر مبنای درباره همسایگان مدرسه صحبت می کند
۴۱۵	نمونه سند: چگونه به شکلی «تفصیلی» از نامه «تشکر» بنویسیم
۴۱۶	چگونه به شکلی موفقیت آمیز سخنرانه مراقب بنویسیم
۴۱۹	ضمیمه «ت»: تمرین ها و اقدام هایی برای پرورش مهارت های کدگذاری و تحلیل داده های کیفی
۴۱۹	خودشناسی
۴۱۹	الگوی الگوها
۴۲۰	کدگذاری تی شرت
۴۲۱	بازی های روی تخته
۴۲۲	تماشای فیلم های عامه پسند
۴۲۲	ژانرهای پژوهش
۴۲۲	روش شناسی و روش پژوهش
۴۲۳	کتابنامه

مقدمه مترجم

مواالعلیم

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی

دانش‌های نو فرآوردهٔ اجتماعی^۱ خاص است که ورود به آن‌ها و از زمرهٔ آنان بودن تابع قواعدی آیینی است. جغرافیای دانشگاه‌ها، رشته‌های پژوهشی قلمروی اختصاصی این اجتماعات است. اعضای این اجتماعات و به‌زبانی سرانجام، تر دانشگاهیان، برای متمایز کردن خود از غیر، مرزهای نمادین بی‌شماری دور خود کشیده‌اند و به شدت از آن‌ها مراقبت می‌کنند. ورود به سلک ایشان پس از گذراندن آزمون‌های خاص امکان‌پذیر می‌شود؛ عضویت در جمع ایشان مستلزم موفقیت در آزمایش‌های ویژه است؛ و ارتقاء به سطوح بالاتر اختصاصی آنان نیز در گرو رعایت قواعدی خاص است که با شعائر گذار، از جمله دریافت عنوان دانشجویی و استادت‌نامی، بزرگ داشته می‌شود.

در این اجتماعات به زبانی اختصاصی سخن گفته می‌شود که هم راجعه نمادین و هم جنبه‌های کارکردی دارد. این زبان ایشان را از غیر متمایز می‌کند و ابزاری برای برقراری ارتباط و مفاهیم آنان و در عین حال، ابزاری برای تولیدات اختصاصی ایشان است که قوام و دوام آن‌ها را تضمین می‌کند؛ زیرا فرض بر این است که این زبان واقع‌نما و راهی برای رسیدن به حقیقت است؛ روش درست تحقیق بنابر تعریف، یگانه ابزار رهنمون شدن به آن چیزی است

که در یک پارادایم علمی رژیم حقیقت فرض می شود. اگر این تولیدات را همچون متن هایی بدانیم، روش های تحقیق دستور زبان آن متن ها خواهد بود.

کاربرد درست این زبان و رعایت بسامان دستور آن از الزامات ناگزیر عضویت در این اجتماعات علمی است. وقوف بر این دستور زبان البته که اعضا را یاری می کند به گونه ای بگویند و بنویسند تا در اجتماع دانش پژوهان^۱ یک رشته خاص و رشته های علمی نزدیک به آن فهم شود. اگرچه دانستن دستور یک زبان الزاماً امکان سخنوری به آن زبان را فراهم نمی کند، به میزان زیادی کمک می کند تا بدانیم و دست کم حس کنیم اندیشیدن به افق آن اجتماع به چه شیوه هایی مطلوب است. بدون رعایت این دستور و این زبان محصول تکاپوهای سرد، «علم» و فرایند تدارک آن «علمی» به شمار نخواهد آمد.

دانستن دستور زبان این منظر مانند آشنایی با فناوری است. هر پارادایم علمی فقط برخی روش های پژوهش را مشروع می داند و استفاده از روش های دیگر را برای تولید «دانش» و «علم» غیر مجاز و مایل اعلام می کند. بنابراین، روش های تحقیق فناوری های به رسمیت شناخته شده ای هستند. در پارادایم علمی برای پژوهشگر و اثر پژوهشی او مشروعیت می آورند، فرآورده او را پذیرفتن می کنند، و بر تعیین جایگاه او در اجتماع اثر می گذارند.

امروزه، شاهد شکل گیری پارادایم های جدید و متنازعی در حوزه مطالعات اجتماعی و انسانی هستیم. این پارادایم ها اجتماعات فرعی تر و کوچک تری هستند که برای کسب مشروعیت، بقا و توسعه، گاه با پارادایم مسلط گاه با یکدیگر در تنازع اند. این پارادایم ها تلاش می کنند تا با گسترش دامنه حضور خود در جغرافیای ذهنی (نزد دیگر دانش پژوهان) و در جغرافیای عینی اجتماعات علمی (دانشگاه ها، مراکز علمی و اشاراتی) با دیگر پارادایم ها رقابت کنند. در این میان، پارادایم (های) مسلط نیز می کوشند رفعت خود را با جلوگیری از گسترش پارادایم های رقیب تثبیت کنند.

رقابت بین پارادایم ها سویه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پیچیده ای دارد. این رقابت در حوزه های مختلفی رخ می دهد که می توان آن ها را ذیل عنوان مؤلفه ها و عناصر کانونی مؤثر بر شکل گیری پارادایم ها یعنی هستی شناسی، معرفت شناسی، روش شناسی و اخلاقیات دسته بندی کرد؛ مثلاً قدرت سیاسی که ضامن مشروعیت نهادهای رسمی تعریف، تولید و ترویج علم است، امکان دارد حامی دیدگاهی خاص باشد؛ چنان که مثلاً

شاهد حمایت رژیم سیاسی جرج دبلیو بوش از روش‌شناسی‌های تجربی و گواه‌مدار آن - واکنشی نژادگرایانه و ترینه‌گرا علیه روش‌های پژوهش کیفی - در دو دهه گذشته بودیم؛ این رویکرد فقط مؤید دیدگاه محدودی از علم و به‌شکلی جزئی، مروج روش‌های کمی پژوهشی است (Denzin & Lincoln, 2005). دنزین و لینکلن (2005, pp. 8-9) شرح تأمل‌برانگیزی از حمایت رژیم سیاسی بوش از علم‌گرایی و روش‌شناسی کمی مطلوب نظام سرمایه‌داری به‌دست می‌دهند:

در سال‌های اخیر، شورای ملی تحقیق (NRC)^۱ در آمریکا جنبشی را با عنوان جنبش تحقیق علم‌یاد (SBP)^۲ بنیاد نهاده است. این جنبش فضای سیاسی دشمنانه‌ای را علیه پژوهش کیفی ایجاد کرده است. جنبش یادشده و قانون فدرال که در سال ۲۰۰۱ تصویب شد، تبلور نوزاد علم‌گرایی است (۲۰۰۴)؛ یک معرفت‌شناسی پوزیتیویستی و گواه‌بنیاد^۳. جنبش تحقیق علم‌بنیاد محققان را به کاربرد «روش‌شناسی دقیق، نظام‌مند و عینی برای حصول دانش قابل اعتماد و معتبر»^۴ ترغیب می‌کند (Ryan & Hood, 2004, p. 80). روش‌شناسی مرجع این جنبش استفاده از الگوهای علمی و متغیرهای مستقل و وابسته است. بر این اساس، محققان باید الگوهای علمی را با بافتار تجربیات کنترل‌شده و تصادفاً انتخاب‌شده بررسی کنند تا نتایجشان امکان هم‌تأیید و تعمیم داشته باشد (Ryan & Hood, 2004, p. 81). در این بافتار، پژوهش کیفی متهم است پژوهش کیفی مستلزم متغیرهای دقیقاً تعریف‌شده یا الگوهای علت و معلولی نیست. مشاهدات و سنجش‌های دانش‌پژوهان کیفی متکی بر انتساب تصادفی موضوعات به گروه‌های آزمودنی نیست. آن‌ها در پی خلق «گواه سخت»^۴ با استفاده از روش‌های علمی نیستند؛ بلکه پژوهشگر در بهترین وضعیت می‌تواند از راه مطالعه موردی، مصاحبه و شیوه‌های مردم‌نگارانه موادی را تصادفاً انتخاب کند که می‌شود آن‌ها را با روش‌های تجربی آزمود. معرفت‌شناسی نظریه‌ی نژاد، نامأنوس، پسااستعماری، فمینیستی و پست‌مدرن از دیدگاه جنبش تحقیق علم‌بنیاد، بی‌بهره و در بهترین وضعیت در حد مقوله تبع و نه علم ارزیابی می‌شود (Ryan & Hood, 2004, p. 81). (2002, p. 132)

1. National Research Council
2. Scientifically Based Research
3. evidence-based
4. hard evidence

منتقدان جنبش تحقیق علم‌بنیاد دربارهٔ این نکات اتفاق نظر دارند: «علم طراز پرزیدنت بوش»^۱ (Lather, 2004, p. 19) و روش‌شناسی‌های تجربی و گواه‌مدار آن، نمایانگر واکنشی نژادینه و نرینه‌گرا به تکثیر روش‌های پژوهش کیفی در دو دههٔ گذشته بوده است. جنبش یادشده مؤید دیدگاه محدودی از علم است (Maxwell, 2004) که «تجربه‌گرایی نئوکلاسیک را که سیرری قهقرایی به دورهٔ کمپل-استنلی^۲ و وابستگی جزئی آن به روش‌های کمی است» (Howe, 2004, p. 42)، بزرگ می‌دارد. این جنبش «غم غربتی برای جهان انتظام‌یافتهٔ علم که هرگز وجود خارجی نداشته است» (Popkewitz, 2004, p. 62) ابراز می‌کند. شورای ملی تحقیق با تأکید بر تنها یک شکل از صلابت و دقت علمی ارزش استفاده از معیارهای تاریخی، بافتاری و سیاسی را برای ارزیابی تحقیق نادیده می‌گیرد (Bloch, 2004).

ما با اغتشاش، پایه‌ایمی در عرصهٔ مطالعهٔ انسان و جامعه چه می‌کنیم؟

واقعیت این است که انسان‌های انسانی و اجتماعی در کشور ما هنوز به بلوغ و کمال خود نرسیده و آنچه در جغرافیای تولید و ترویج این دانش‌ها می‌گذرد، بازتابی از تنازعاتی است که در موطن این دانش‌ها رخ می‌دهد. این پایه، در اجتماعات علمی نیز از سویی مراقبت از مشروعیت برخی روش‌ها، و ممانعت از مافوق ورود و رواج دیگر پارادایم‌ها و روش‌های پژوهشی آن‌ها را شاهدیم. در جغرافیای رسمی دانش‌های اجتماعی و انسانی که تعریف، تولید و ترویج این دانش‌ها را در کشور ما برعهده دارد (دانشگاه‌ها و مراکز رسمی علمی)، شاهد سیطرهٔ نوعی جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی زردی با تأکید بر رویکردهای پوزیتیویستی و تمرکزی خام‌دستانه بر روش‌های کمی هستیم. ادعای بدوی اکثر است کنت و امیل دورکیم که جامعه‌شناسی را وجه متکامل دانش‌های انسانی و جامع همهٔ معرفت‌های ما می‌دانستند، گویی بنیانی شده است مرصوص که کسی را یارای تردید در آن نیست. با مراجعه به محتوای درسی رشته‌های مختلف و مرور آن‌ها (مثلاً در حوزهٔ ارتباطات، مطالعات فرهنگی و...) مواجهه با واحدهای درسی مانند «آمار برای علوم اجتماعی» و «آشنایی با برنامهٔ SPSS» تعجب‌آور نیست. نگاهی به محتوای درس‌های روش تحقیق در سطوح نظری و عملی گرایش به مطالعات کمی را آشکار می‌کند. از میان روش‌های تحقیق تأکید سه‌واحدی بر تحلیل محتوا که مراد از آن همان تحلیل محتوای کمی است، شاهدی فاجعه‌آمیز است. کتاب‌ها و جزوه‌های درس

1. Bush science

2. Campbell-Stanley

روش تحقیق نیز در بسیاری از دانشگاه‌ها چیزی جز معرفی روش‌های کمی را بر ذمه ندارند. تأمل در عنوان طرح‌نامه‌های مصوب و پایان‌نامه‌های دفاع‌شده نیز سیطره روش‌های کمی را تصدیق می‌کند؛ جایی که دانشجویان به مطالعه و سنجش میزان وقوع و رواج فلان عامل یا تحقیق در رابطه فلان و بهمان و... گسیل شده‌اند.

شیوه مواجهه نهادهای تصمیم‌گیر درباره عنوان‌های طرح‌های پژوهشی و به‌ویژه پایان‌نامه‌ها در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری هم بر حمایت از روش‌های پوزیتیویستی و پساپوزیتیویستی دلالت دارد. کم نیستند دانشجویانی که به‌صراحت از اعضای شوراهای بررسی طرح‌نامه‌ها شنیده‌اند که لازم است طرح‌هایشان معطوف به آزمون متغیرها و فرضیه باشد و بررسی قیاسی پدیده‌ها برپایه نظریه‌ها تنها راهی است که باید بپیمایند. در کنار این مواجهه‌ها، مخالفت‌هایی گاه خصمانه با رویکردهای کیفی پدیده‌ای مشهود است. شاید پژوهشی در زمینه معنای علم نزد مسئولان و برنامه‌ریزان ضرورت التزام «علم» به «تجربه» و «گزارش علمی» به «عده» (به بهترین شکل برملا کند؛ انگاره‌ای که بستر گرایش به کمی‌گرایی را تشکیل داده است).

بر این پایه تعجب ندارد که بازارشناسی را نیز در سلطه کتاب‌های روش‌شناسی با رویکرد اثبات‌گرایانه ببینیم. اما طرفه آنکه متأسفانه در فن‌های علمی کشور از گرایش به روش‌های کیفی سخن گفته می‌شود. خلط بین روش‌های پساپوزیتیویستی با روش‌های کیفی، مزج دلیخواهانه نظریه‌ها با شیوه‌های گردآوری کیفی و تلاقی روش‌های قیاسی تحقیق با شیوه‌های استقرایی گردآوری اطلاعات از پدیده‌های درخور تأمل است. یکی از وجوه طنزآمیز در این میان، غفلت از شیوه‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، به‌عرض سازگاری رویکردهای پژوهشی و شیوه‌های گردآوری اطلاعات در تحقیق‌هایی است که در سطوح مختلف، از کارشناسی ارشد تا دکتری، در حال وقوع است.

نظام ارتقای دانشگاهی و است شمار دانشجویان توسط استادان تحمیل مستبدانه روش‌های کمی

نظام‌های ارتقای اعضای اجتماع دانشگاهیان نیز به‌شکلی نامحسوس پشتیبان روش‌های مرسوم و مألوف کمی است. چنان‌که می‌دانیم، ارتقای اعضای هیئت‌های علمی در گرو چاپ مقاله در فصلنامه‌های «پژوهشی» است و طبق تعریف، هر مقاله زمانی پژوهشی به‌شمار می‌آید که بر مطالعه تجربی پدیده‌ای متکی باشد. بسیاری از همکاران از توانایی برخی استادان در چاپ

مقاله‌های متنوع، متلون، متکثر و متعدد که با همکاری (۱۹) دانشجویان و با آزمون فرضیه‌ای چند و برقراری رابطه معنادار بین متغیرهای بی‌معنای مستقل و وابسته آگاهی دارند! برخی از این مقالات با اختصاص یافتن دو نمره از بیست نمره به آن‌ها، شرطی برای دفاع از پایان‌نامه یا دست‌کم شرطی برای رسیدن به نمره بیست است. گویی اعضای اجتماعات علمی باید همانند کارورزان کارخانه‌های تولید پژوهش و خلق مقاله‌هایی که مؤید رابطه بین متغیرهای وابسته و مستقل و کنترل و میانگیر و... است، عمل کنند.

اتهامات وارد شده بر روش‌های کیفی مانند مانیفست اعلام‌نشده‌ای در کار است و همچون ایدئولوژی رمالی شسیراز شسیره‌های آموزش روش‌های تحقیق را می‌تند؛ جایی که انحصار نیایی سنگر بسته‌اند. روش‌های کیفی متهم می‌شود به «غیرعلمی بودن»، «ذوقی بودن»، «زمان‌بر بودن»، «غیرقابل اتکا بودن»، «بی‌اعتبار بودن نتایج به سبب قابل تعمیم نبودن»، «نامشخص بودن روش»، «نامنطق بودن»، «متکی نبودن بر نمونه‌گیری» و... حق این است که به فقد دانش کافی استنباطی بسنده با روش‌های کیفی، هم در اردوگاه مخالفان و هم در اردوگاه مروجان این روش‌ها باشد.

واقعیت این است که حمله خانان روش‌های کیفی و ممانعت آنان از رواج این روش‌ها مانند تیغه قیچی است که بدون عملکرد تیغه دیگر از آسیب‌های آن به شدت کاسته خواهد شد! تیغه دیگر این قیچی معرفی ناقص و دفاع نامناسب و گمراهی‌آفرین برخی هواداران روش‌های کیفی است. حضور در جلسات دفاعیه پایان‌نامه برای دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری که به تدبیر مختلف موفق شده‌اند طرح‌نامه‌ای در زمینه پژوهش کیفی را به تصویب برسانند، گواهی بر این مدعاست. متأسفانه، در برخی موارد نه بیکردی کیفی و مبتنی بر شناخت پارادایمی را شاهدیم و نه به‌خصوص با نظامی سنجیده برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده روبه‌رو خواهیم شد. رفع دست‌کم این مشکل اخیر، یعنی رفع دست‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها یا همان کدگذاری و مقوله‌بندی، یکی از هدف‌های برگردان کتاب حاضر به زبان فارسی بوده است. در ذکر هدف اصلی ترجمه این کتاب، از جناب حافظ مدد می‌گیرم:

مدعی گولغز و نکته به حافظ مفروش کلک ما نیز زبانی و بیانی دارد

چرا به تأمل در روش‌های کیفی و ترویج هوشمندانه آن‌ها نیازمندیم؟

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، روش‌های تحقیق دستور زبان اجتماعات علمی است که جواز مشروعیت آن با استناد به پارادایم علمی مختار و با توشیح بزرگان اجتماع علمی صادر

می‌شود. اصرار بر ضرورت مقطوع تبعیت از روش‌های کمی و سوء استفاده از مستندهای اداری (بخوانید قدرت‌های تفویضی بلا توجیه) برای نهادینه‌نمایی این تحمیل، فضای اجتماعات علمی ما را از تبعیض روش‌شناختی می‌آکند و بیخ درخت نوپای دانش‌های ایرانی - اسلامی انسانی و اجتماعی را برمی‌کند. شاید در این میانه یکی از باب‌های هنوز بازمانده، انتشارات باشد که می‌توان از راه آن جغرافیای ذهنی دانش‌پژوهان را با افق‌های متفاوت اندیشه و پژوهش پیوند داد.

واژه کیفی متضمن تأکیدی بر کیفیت موجودیت‌ها، فرایندها و معناهایی است که نمی‌شود آن‌ها را به شکل تجربی و در قالب مقادارها، اندازه‌ها، شدت یا فراوانی آزمود یا اندازه‌گیری کرد (اگر اساساً بتوان آن‌ها را اندازه‌گیری کرد). پژوهشگران کیفی بر سرشت اجتماعاً برساخته واقعیت، روابط و معنی‌ها بین محقق و آنچه مطالعه می‌کنند، و محدودیت‌های وابسته به موقعیت که پژوهش را مشکل می‌دهد، تأکید می‌کنند. چنین پژوهشگرانی بر سرشت آکنده از ارزش پژوهش پافشاری می‌کنند. آن‌ها در جست‌وجوی پاسخ پرسش‌هایی هستند که تأکید می‌کنند چگونه تجربه جمع - خلق و معنادار می‌شود. برعکس، در تحقیقات کمی بر اندازه‌گیری و تحلیل روابط علت و معلولی بین متغیرها و نه فرایندها تأکید می‌شود. مروّجان این نوع تحقیق ادعا می‌کنند که کارشان از خال - رجوبی فارغ از ارزش انجام می‌شود.

پژوهشگران کیفی، اساساً در پی آن‌اند که تحلیل، محتوا و تجربه کنش اجتماعی را که مقید به موقعیت‌ها هستند، حفظ و تحلیل کنند و از آن‌که آن‌ها را در قالب‌های ریاضی و صوری قرار دهند، گریزان‌اند. با این حال، این تمایز (پژوهش کیفی و کمی) اغلب با تمایل دانش‌پژوهان به تعریف‌های سلبی (و نه ایجابی) از پژوهش کیفی و اینکه این نوع پژوهش‌ها چه چیز (کمی و آماری) نیستند، دچار ابهام می‌شود. بنابه تعریف متداول، پژوهش کیفی اصطلاحی عام است که مجموعه‌ای از فنون تفسیری را دربرمی‌گیرد و این فنون در پی توصیف، درک‌کنایی، ترجمه و درک معنا و نه فراوانی پدیده‌هایی هستند که کمابیش در محیط اجتماعی رخ می‌دهند. اصطلاح «پژوهش کیفی» کسانی را که در برابر ابهام کم‌تحمیل‌اند، آزاده می‌کند؛ زیرا از بین رشته‌های علمی میان‌بر می‌زنند، بین نظریه و روش پیوند برقرار می‌کند، روش مقطوع و از پیش حتمیت‌یافته‌ای ندارد و معنای آن در طی سه قرن عمل و جدل به شدت تغییر کرده است.

روش‌های کیفی با رویکردهای استقرایی هم‌پسته‌اند و مجال فرخنده‌ای برای فهم واقعیت‌های مقید به موقعیت و بافتارمدار فراهم می‌کنند؛ برعکس، روش‌های کمی با ابتنا بر رویکرد قیاسی به مقصدی جز بازتولید تصورات سازمان‌یافته در قالب نظریه‌ها نمی‌رسند. اگر در این گزارة

معرفت شناختی تردید نداشته باشیم که دانش‌های بشری و از جمله دانش‌های انسانی و اجتماعی اموری گفتمانی و مقید به ارزش‌هاست، آن‌گاه می‌توانیم به شأن شایسته روش‌های کیفی در تولید و تدارک دانش‌های بومی انسانی و اجتماعی اذعان کنیم. آرمان شکل‌دهی به دانش‌های ایرانی - اسلامی انسانی و اجتماعی از این مجراست که مشروعیت و الزام پیدا می‌کند.

درواقع، ما نیازمند تدارک بنیان‌های پارادایمی برای دانش‌های بومی انسانی و اجتماعی هستیم و در این گذار، روش‌های کیفی ابزارهایی ضروری برای سازمان‌دهی به فعالیت‌های پراکنده اجتماعات علمی در حال شکل‌گیری‌ماست. به یاد داشته باشیم که رویکردهای قیاسی فقط ما را به باز تولید فهم‌هایی رهنمون می‌شود که ریشه در نگاهی یونیورسال به انسان، واقعیات، هستی دارد، فقط بر تشابهات و نیل به قوانین متکی است و واقعیتی محرز را که همانا بی‌توجهی به معنای بافتاری دانش‌های بشری است، نادیده می‌انگارد.

از این‌رو، استاندارد روش‌های کیفی را می‌توان دربرگیرنده دو جریان دانست: کسانی که روش‌های کیفی را وسیله‌ای بلا تردید برای نیل به هدف گران‌سنگ تکوین دانش‌های بومی انسانی و اجتماعی تلقی می‌کنند و کسانی دیگر که بیشتر به جنبه‌های تکنیکی علاقه‌مندند و اقبال به این روش‌ها را امری راهبردی نمی‌دانند. در نگاه نخست که متأسفانه تک‌افتاده و بی‌بهره از پشتیبانی نهادهای رسمی و حتی زنجری از مخالفت‌ها و ممانعت‌های آن‌هاست، روش‌های کیفی نقشی راهبردی دارد، اما اهمیت روش‌ها به علت خود روش‌ها نیست؛ بلکه باید اهمیت آن‌ها را در نقشی دانست که در فهم جامعه معاصر و تدارک انبانی غنی برای نظریه‌پردازی‌های آتی ایفا می‌کنند. ناآشنایی با روش‌های کیفی نباید زمینه‌ای برای نادیده گرفتن پژوهش کیفی و کارآمدی‌های آن در رسیدن به دانش‌های بومی انسانی و اجتماعی شود. به گفته آن بزرگ:

قد خمیده ما سهلت نماید، اما بر چشم دشمنان تیرانداز همان توان زد

ترجمه متون روش‌شناسی و نه متون نظری به گمان من، از نیازهای ضروری برای اجتماعات علمی در کشور است. چالش‌های روش‌شناختی با ارجاع به نمونه‌های پژوهشی در آن سوی مرزها به نقطه جالب توجهی رسیده است. از این عرصه پرتنازع می‌توان گهرهای سفته‌ای را شکار کرد. ناشناخته بودن روش‌های کیفی پژوهش، مندرس شدن روش‌های مستعمل و تکراری، و طبعاً دست‌رسی نداشتن به نمونه‌های بومی خود زمینه‌ای برای مهجور ماندگی مکرر این روش‌هاست. به یاد داشته باشیم که تعدیل و تکامل روش‌های کیفی

از خلال نقد و بررسی کارایی‌های عملی آن‌ها و از این رو کاربرستان رخ می‌دهد؛ بنابراین، لازم است با ترجمه و نشر آثار روش‌شناختی، ضعف و فتور روش‌های به‌ناروا رایج‌شده را آشکار و این فناوری‌ها را به اموری آشنا تبدیل کرد و با نقد امکان کاربرست و نتایج آن‌ها به اصلاح و بومی‌سازی آن‌ها همت گماشت.

کتاب حاضر از زمره کتاب‌های مطرح و شناخته‌شده است که توصیه‌های آن در عرصه‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی به‌کار گرفته شده است. کتاب‌های روش‌شناسی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته‌ای که بیشتر بر مباحث معرفت‌شناختی تمرکز می‌کنند تا جایگاه پارادایمی روش‌ها را آشکار کنند و دسته‌ای که بر جنبه‌های کاربردی و عملیاتی روش‌ها متمرکز می‌شوند تا چگونگی و قابلیت‌های آن‌ها را در عمل روشن سازند. کتاب حاضر در زمره دسته دوم جای می‌گیرد. این کتاب با تمرکز بر حوزه‌ای خاص و ضروری از کاربرد روش‌های کیفی، یعنی تجزیه و تحلیل نظام‌مند داده‌ها، و استفاده از مثال‌های متفاوت، کاربرد این روش‌ها را در مطالعات متنوع به رخ می‌کشاند. استفاده از نمونه‌های مناسب و ارجاعات مکرر و مفید به پژوهش‌هایی که با به‌کارگیری این روش‌ها کدگذاری و تجزیه و تحلیل شده‌اند، این کتاب را به نمونه‌ای مفید تبدیل می‌کند.

۴۴

نه این ترجمه بی‌نقص است و نه ارباب معرفت بی‌التفات. از همه دانش‌پژوهانی که شکل‌گیری دانش را امری جمعی می‌دانند و از همه اعضای دل‌سوز اجتماعات علمی که کاستی‌های این کار را بزرگوارانه تذکر خواهند داد و راه را برای پیشکش کردن نری بالوده و شایسته هموارتر خواهند کرد، سپاسگزاری می‌کنم. همت دوست و همکار خود جناب آقای دکتر کوثری، مدیر دانش‌پژوه انتشارات علمی فرهنگی، را می‌ستایم که انتشار این کتاب را ممکن کرد. دقت و بردباری سرکار خانم اعظم فتحی هل‌آباد را که ویراستاری این کار را برعهده گرفت و ظریفانه از عهده آن برآمد، بزرگ می‌دارم. از همراهی‌های دوستانم مهدی آقاصی و امید کوشکی نیز تشکر می‌کنم. باشد تا ره آن شیوه را سپرده باشم که سپاس‌گویی حضرت حق جل و علاست.

حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود با مدعی نزاع و محاکا چه حاجت است

عبدالله گیویان

تهران، آذر ۱۳۹۴